

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل‌المتین)
عنوان مراسلات ()
طهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ بحی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر معالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطری

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعة

با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۸ خر داد ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۸ و ۱۹۰۷ میلادی

(گریه و نوحه بر شهیدای آذربایجان)

ولا تحسبن الذین قتلو فی سبیل اللّٰه امواتا بل احياء
عند ربهم یرزقون
(کاش انرمان سراقق گردون نگون شدی)
(و این خر که بلند ستون بی ستون شدی)
ای آسمان از هم پیاش ای زمین قطعه قطعه شو
ای دیده خون بیار ای دل یاره باش ای جگر خون شو
بی ابر سیلاب خون جاری کن ای وطن بر حال فرزندان
نوحه کن ای اسلام نظری بحال ما نما ! یارسول اللّٰه
سر از خاک بطحا بردار و بسمت آذربایجان نظر فرما !
آه آمان از ظلم ظالمان فریاد از ستم مستبدان و ایلا
از بیچارگی و درماندگی ، دریغ از بیکی و تنهائی
ای نوجوانان غیور ای برادران باهمت چرا در خاک و
خون غلطان شدید ؟ قد رعایتان چگونه از یافتاد
قامت زیبایتان چسان در خون طپید ! خدایا رحیما
کرد گارا رحمی و عنایتی از دست رفتیم یا بعل شدیم ،
ای حجة اللّٰه ای صاحب الزمان ظهور کن و باتیغ آبدار
دماراز روز کار ظالمان بدر آر ، ای اهل عالم ای اولیاء
آدمیت کمکی و اعانتی ، لطفی و مرحمتی ، ای صاحبان
مروت ای ارباب حمیت ای اهل غیرت کرمی و احسانی
توجهی ، فتوتی ! ای خضر نیک بی در این صحرای
هول ناک ما را دستگیری کن و در این غرقاب فنا راه
نجاتی نشان ده ! ای مستبدان از جان ما چه میخواهید
ای غداران چرا خون ما را حلال میدانید ای ظالمان چرا
جان و مال ما را مباح کرده اید ای خونخواران در خون
ما چه لذتی دیده اید ؟ بکجا از یزیدان فرار کنیم رونکه

آریم بدامان کی متوسل شویم هزار سال است مارا چون
گوسفند کشته گوشتمان را کباب و خونما را شراب بنداشتید
خوردید آتش بر جانمان افکند که خانمان مارا آتش زدید
خانه تن خراب که خانه مارا خراب کردید

ای خدای قهار چرا انتقام مارا نمیکشی و خون مارا
قصاص نمیکنی مگر مارا از بندگی خونت خارج کرده
یا از امت بیغیبت نمیشماری ای عزیز بی همنا ذلیل
کن این بی انصافان را عذاب فرما این نامردان را ، قطع
کن نسل این جلادان را که نسل مارا قطع کردند و
ذلیل و زبون نمودند ملت ما را ، خاک راه بر سرمان ریختند
و سنک جفا بر فرمان زدند دود از دودمان ما بر آوردند ،
ای بیداری که خواب از ساحت اقدست دور است بر ما نگر
که چه روزگار داریم و چه احوال گاهی چشممان را میکنند
گاهی گوش و بینی مان میکنند گهی سر بر بند زمانی باشمان
میسوزانند وقتی در آب غرقمان میکنند نه راحت داریم و
نه ثروت نه ناموس و نه عصمت نه شرف و نه عزت چون
عروج کنیم منزلمان بر سردار است و چون بالارویم
بضرب توپ است خوابگاهمان در سیاه چال است و
راحتمان در قبرستان ، از ستم این ناکسان بروسیه و عثمانی
رفتیم باز دست برنداشتند و برای ذبحمان قونسل و برنس
روانه کردند و گرفتار ساختند

کاش از مادر نمیزادیم یا دز کوچکی مرده و از
این عذابهای ناگوار فارغ بودیم کاش سنک و خاک
بودیم یا لیت در دریا غرق میشدیم کاش هزاران سال
پیش مرده و اسرده شده بودیم تا این روز نمیدیدیم
و این زهر نمپچشیدیم و برادران عزیز غیور آذربایجانی
را باین حالت مشاهده نمیکردیم ای شهیدان بی غسل

و کفن ای برادران غیرتمند وطن ای گشتگان شمشیر
چفا ای مقتولین لشکر استبداد خوشا بر حال شما که
در راه غیرت کشته شدید و باسم انسانیت جان باختید
یدران و مادرانمان فدای وطن پرستی شما باد، جان
و مال و اولادمان قربان خاک قبرتان، دریغ از آن
جوان مردان افسوس بر آن رشادت و شجاعت حیف
از آن قد و بالا، چه قدر سعادتمند بود خاکی که
خونتان در او ریخت و چه خوشبخت شد زمینی که
شمارا در بر گرفت (بای انتم و امی لقد طبتم و
طابت الارض الی فیها دفنتم و فرتم والله فوزاً عظیماً)
چه گران بها است خونی که در راه مشروطیت
ریخته شود و چه بر قیمت است جانی که فدای حریت
گردد، چه متبرک است تنی که برای راحت خلق پاره
پاره شود، چه مبارک است سری که جهت آزادی بریده
گردد روحتان شاد و با ارواح طیبه محشور باد
ای گشتگان راه وطن جان فدایتان

بادا هزار رحمت حق بر وفایان
گم باد نام دشمن بد خواه مستبد

محشور باد روح شما با خدایتان
خدا شمارا رحمت کند که اقتضای ابدی برای خود
حاصل نمودید و نام خویش را در دنیاچه دفتر انسانیت
ثبت کردید و در راه خدمت عالم مشروطیت نقد جان را بر
کف گرفته رایگان تقدیم نمودید هرگز از خاطرها محو
نخواهید شد و تاابد بتقدیس و تجلیل نامتان ذکر خواهد
گشت — ایران و ایرانیان راز همین منت خود ساختید
اسلام را زنده کردید مشروطیت را با جان برقرار کردید
آفرین بر غیرتان مرحبا بر همتان خدا و خالق از شما
راضی و خشنودند آسمان و زمین بر مظلومیتتان گواهی
میدهند جن و انس بر عزای شما گریه میکنند

ای برادر گشتگان، ای اهالی ایران آیا باز هم انتظار
دارید و بخیالات واهی دلخوش کردید، آید آیا ترس و خوف
را سردار قشون خود ساخته آید؟ آیا خون شمارتکین
تراز خون برادران است؟ آیا جان شما عزیزتر از
دیگران است؟ تاکی در برده نشسته و دست افسوس بر
سر میزید تا چند مثل زنان ناله و نفرین را سپر حوادث
قرار داداید؟ ناچه وقت بلیت و لعل وقت را تضییع میکنید
بر خیزید دست غیرت از آستین حمیت بدر آرید و باذن
مجلس شوری درخت استبداد را از بیخ و بن برکنید تنگ
و عار را بر خود میسندید انتقام برادران شهید را از قاتلین
بگیرید — بر است تنبلی و کنالت، کافی است مذلت و
مسکنت فکری بحال خود کنید ابر تیره استبداد را از افق
مملکت ایران دور کنید بوستان ملک را از خار میلان

یاک سازید والا نامتان در عالم بیفرتی ویی ناپوسی و
نامردی تا انقراض دهر برده خواهد شد

❀ سؤال ❀

خدمت مدیر مقدس روزنامه حبل المتین معروض
میدارد چند مطلب است که اسباب حیرت حقیر شده
اگر این مشکلات را حل فرمایند بحکم حدیث مقدس
(من علمنی حرفاً فقد سیرنی عبداً) مرا کمترین بنده
خویش فرموده آید (۱) آنکه مدتی بود اسم و کلا نوشته
نمیشد در روزنامه مجلس و باز مدتی است که مینگارند
سبب در نوشتن آمدت و نوشتن این مدت چیست ولی
خواهش میکنم اگر قلم آزاد است در نوشتن مطالبه
مصلحت عموم است و مفیده بر آن مرتب نیست آزادانه
بدون ملاحظه مرقوم دارید (۲) چنانکه از نمره ۴۳
روزنامه مقدسه مجلس مستفاد می شود در مجلس
دارالشورای کبری بعضی از وکلا بعض فرمایشات در
حق ناطقین بین تماشاچیها کرده اند که الحق بشری
آنها بر خورده او لا شرف در این مملکت محفوظ است
یاخیر اگر محفوظ است و دارا هستیم عرض
میکنم که ناطقین حضور عموم میدویدند و اینها
کسانی هستند که از اول این امر ملازم رکاب حجج
اسلام بودند و الی الان همان نوع جان فشانیها که
ژاندارک یا میرا و در راه وطن خویش کرده و میکنند
تاکنون مغرض نبودند جاهل نبودند محرك نبودند پول
نگرفته بودند اکنون نه حرفهای آنها با خیالات بعضیها
منافاتی دارد حالا هم مغرض وهم جاهل وهم محرك دارند
وهم پول گرفته اند (خوش بودگر محرك تجربه آید بمیان)
(تاسیه روی شود هر که در او غش باشد)
اگر آنها شرف مطالبه کنند چه جواب خواهند داد
(۳) آیا باز ملت تابع استبداد است ولی فرقی که
کرده استبداد تحویل از محلی بمحل دیگر شده یا خیر
(۴) سبب تاخیر افتتاح بانک ملی چیست و سبب
پیش نرفتن کارها که عبارت از ترقی ملت ایران است کیست
سوالاتی دیگری نیز داشتیم ولی بعد از استفاضه
جواب این چند سؤال عرض میکنم

(فدائی وطن محمد رفیع الموسوی)

حبل المتین

سوالات فوق را جناب عمده السنکمین فدائی وطن
آقای آقا سید محمد رفیع فرموده ما نیز بواسطه آزادی
قلم بقدر عقل ناقص خود جواب میدهیم و از دیگران
نیز خواهش میکنیم اگر جوابی بهتر بنظرشان رسید بداره

ارسال دارند تا درج شود

(۱) وکلاء محترم بملاحظه می ترتیبی نطقها و منظم بودن داخله مجلس حکم کردند نباید اسامی نوشته شود ولی چون این امر بر خلاف ترتیب تمام دنیا بود و مضرات زیاد نیز داشت بعد از چند روز دانستند که خطا نموده و صواب آنستکه نطق هر کس با اسم خودش درج شود لذا بخطای خود اقرار کردند و هزار آفرین باد بر آنها که استبداد ننمودند و اصرار بر امر نا صحیح را جایز ندانستند — از اول نیز رای ما بر این بود که نوشتن اسامی خوب است تا میزان عقل و کفایت و خیر خواهی هر کس معلوم شود و در موقع انتخابات آتی، مردم تکلیف خود را بدانند و بملط انتخاب نکنند —

(۲) نمیدانیم مقصود صاحب نطق چه و نظارش یکی بوده است اگر همان دوسه نفر خطباء معروف را مثل جناب عالی و آقای ملک المتکلمین و آقای آقا سید جمال الدین و آقای شیخ علی و آقای آقا میرزا ابراهیم خان منظور داشته واقعا ظلم بزرگ کرده و تهمت زده است زیرا که جلالت قدر و شایسته مقام این بزرگواران اجل از آنستکه بتوان در ماده شان تصویری کرد فدائی ملت و خیر خواه عموم و بیدار کننده حس ملتند اینانند بلند کننده بیرق مشروطیت و سرنگون کننده علم استبداد. اگر دیگری را مد نظر داشته که ما نمیشناسیم و نطقش را ندیده ایم شاید صحیح باشد اینکه فرموده آید آیا شرف محفوظ است؟ بقاعده باید محفوظ باشد زیرا که معنی مشروطیت محافظت جان و مال و شرف و ناموس است و اختراع این ماشین برای همین کار است اما آنکه فرموده آید آیا میتواند مطالبه شرف کند جوابش آنستکه مسئله سه شکل دارد یکدفعه میگویند عموم ناطقین مفروضند در این صورت هر فردی از ناطقین حق محاکمه دارند و باید تهمت زنده را هر کس باشد بمحکمه حاضر کنند و اثبات ادعایش را دلیل بخواهند. یکدفعه بیک نفر مخصوصی این نسبت را میدهد آنوقت همان یک نفر میتواند مطالبه شرف کند و منظم شود، دفعه سیم بعضی نسبت میدهد بدون اینکه شخصش را معین نماید در اینصورت مشکل است کسی بتواند محکمه بر او دادر کند

(۳) خیر استبداد مدموم شد و بهارستان عمارت عدالت است حالا خدا نکرده فرضا یک نفری غرض به خرج داد ربطی با اساس ندارد
(۴) علت تاخیر بانک ملی دولت است زیرا که دولت در گرفتن قرض با آنکه اول خیلی اصرار داشت امروز

مسامحه میکند و دفع الوقت میگذرانند و علت ترفی نداشتن ماعدم انتظام امور داخله مجلس است والسلام

(مدیر روز نامه بلدییه ملاحظه فرماید)

روزنامه آینه جهان نمای ملی است روزنامه مصاح اخلاق ملت است. ما میخواهیم توسط روز نامجات ملت را تربیت کنیم در جامعه تمدن و انسانیت وارد کنیم پس بر ما است که حتی الامکان مسلک خود را صحیح نموده در حسن الفاظ و صحت مطالب کوشش کنیم و تدریجا الفساف و عبارات رکیک را از ذهنها بپنداریم و در جای آن کلمات پسندیده و الفاظ نیک یاد دهیم روز نامه ویس باید کمال دقت را مرعی دارد تا مبدا لفظ زشت و فحش و رکیک درج شود و کلامه قبیح و دشنام نوشته گردد

در این صورت نهایت مورد تعجب است که شما یکی از این نکه مهم صرف نظر فرموده صدر و ذیل نمره هشتم جریده خود را مملو از الفاظ رکیکه نموده ذره از وقاحت و قباحت فروگذار کرده اید نتیجه این مطالب جز انحطاط قدر جرید و فساد اخلاق ملت نخواهد بود. در قانون جرید نیز این مطلب مذکور است که باید ارباب جرید از کمالات قبیحه اجتناب کنند — فرضاً که این مقاله را دیگری نوشته و اداره شما فرستاده است شما چرا باید اقدام بدرج آن کنید مقالات ناقصه باید در جراند درج شود نه بیانات مضربه — شاید صاحب مقاله با عموم جراند عداوت دارد و درصدد تضییع آنهاست و بادوستی میخواهد خانه ما را خراب کند یا اصلا پایه ادراکش قاصر و بحسن و قبح ملتفت نیست چرا باید بدست ما تیشه بر ریشه خودمان بزنند؟ امروز مردمان خود غرض بدخواه در مملکت زیاد است و با کمال خورده بینی مراقبت از مندرجات جراند دارند که مگر بهانه بدست آورده سکتی باین عمل مقدس وارد بیاورند سلامت نفس و حسن اخلاق شما را همه کس میدانند لکن باین درجه نباید ملاحظه عمرو و زبند را کرد هر وقت چنین مکذوبی فرستادند باتش بسوزانید یا باب بشوئید و نویسنده را ملامت کنید خجالت یعنی چه؟ شرم حضور در این موارد کدام است؟ البته در آتیه ملت باشد خود و همکاران را دچار زحمت و شماتت نسازید و از این نصیحت ما که جز خیر خواهی غرضی نداریم مکرر نباشید.

(بترد من انکس نکو خواه تست)

(که گوید فلان خار در راه تست)

مکتوب شهری

خدمت جناب مدیر روز نامه مقدسه یومیه حبل المتین چنانکه در حضور هیچ یک از آقایان علماء عظام و وکلای محترم مجلس شورای ملی و عتلاء ملت پوشیده و پنهان

نیست در این زمان آحر کارهای بزرگ و تغییرات کلی در عالم سیاست صورت و معینا اتفاق افتاده که کار آگاهان و خورده بینان جهان همه را بکمال دقت نظر دیده برای خلاصه کردن نتایج ناگوار این مقدمات فکری خود را بزحمت و تعب میدارند در این اواخر اوضاع اغتشاش و اختلال از حرس و طمع مامورین حکومتی و بولنیکی و مالیه در اغلب ولایات آغاز شد درهای فتنه و آشوب را باز کرد ابر سیاه بلا در فضای ایران بحرکت آمد هر چه بر غلظت آن میافزود افق آسایش سائین این خاک را بیشتر تاریک کرده لغزشگاه اقدام اهالی را زیاده تر تاریک مینمود پس از خرابی ملک و مملکت و تلف شدن نفوس و اموال و تاراج شدن عرضها و ناموسها منطبق شناسان حل و عقد امور در جلوگیری از این مصائب و بلاهای ناگهانی هرگونه صغری و کبری ترتیب داده بمیل و اراده مرحوم و مغفور مظفرالدین شاهنشاه قاجار انارالله برهانه نتیجه بر این منتهی شد که دولت علیه ایران در جزو دول مشروطه محسوب و مجلس مقدس شوری ملی افتتاح و قانون اساسی موافق شرع انور تاسیس و مجری شود که گذشته را تعمیر و آینده را تأمین نماید آری مجلس مقدس شوری ملی منعقد و دعوی عدالت گستری و حقانیت پروری را بردوش گرفته و میخواست صلای داد بگوش جهانیان رساند بعد از اینهمه خرابیها و فلاکت که بوجود قاطبه متوطنین این مرزوم مستولی شده و همگی در حال احتضارند میخواهم از یکطرف حقوق و عظمت و منافع دولت را نگاه داری نموده قروض دولت را قرار صحیحی داده اداره ملک و مملکت را منظم نمایم و از طرفی جلو تعدی و ظلم و اجحافی مستبدین را نسبت بفرود آمدن اهالی بگیرم و قاطبه مردم را که هر کدامشان برای نفع دو روزه خود مقصودی در نظر دارند و بیرو خیالی بر خلاف خیال دیگری هستند آسوده و مرفه الحال سازم بلکه از تقضل خداوندی و توجه امام عصر عجل الله فرجه این ملت نجیب یا بدایرة تمدن گذاشته دست برد همسایگان و اجانب نشود ولی افسوس بطوریکه می بینید نخواهند گذاشت بدون خون ریزی اوامر مجلس مجری شود و خرابیهائی که از اثر بولنیکی حاصل خواهد شد تماشا خواهید نمود حالیه که می میرند قانون اساسی نزدیک باتمام است با وعد و وعید لایلا و نهارا آشکار و پنهان مشغول اختلال آسایش عمومی و گرفتار نمودن اهالی بیچاره را بمصائب دهشتناک خونریزی هستند بالجمله قوانین نوشته و تمام میشود و مستدعیات مجلس را پادشاه دل آگاه قبول و مجری میفرماید ولی حرف اینجا است مفرضین و مفسدین تا جان در بدن دارند بر برفی و عصیان خود

طهران در مطبعة « فاروس » بطبع رسید

خواهند افزود ولی عقلا میدانند بعد از همه این اقدامات بی حاصل ماندن این زحمتها را بچشم حیرت خواهند دید زیرا پس از آنکه استقامت نیت و ثبات عزم وزراء محترم را با وکلاء مجلس مقدس ملی در اصلاح حال و آسوگی خیال اهالی مشاهده نمودند و تاسیس قانون اساسی را کامل و دارای نتایج آسایش عمومی دانستند که يك شاهنشاه جوان بخت در اصلاح حال اهالی و رعایای خود که صانع دست تقدیر و ودایع رب قدیرند عزم همیونی را جزم فرموده و خود را در اجرای مقتضیات این مجلس مقدس معاف نمیداند شاید نیت خود را از مشوبات پاک کرده مسلمانی را که بر حسب صلاح و اصلاح حال دو جهان است و نلیفه خود بدانند جساتا یاد آوری میکنم ای آقابایک حوالی و خورد را بخود حرام و بوسایل مختلفه در صدد برهم زدن مجلس شورای ملی و آسایش عمومی هستید بدون جهة یول باطرافی قرستید بخودتان رحم نمائید که اعمال شبانه و روز همه شماها را ثبت و ضبط مینمایند زیاده از این محرك یاره از اجسامر و او باش نشوید بخداوندی خداوند این ملت فلک زده دست از جان خود برداشته اند و اگر قدری هم در این راه که میروند زیاده از این تند بروید آنوقت خواهید دید کار بجاهائی که نباید بکشد کشید و آتش فتنه شماها اطراف ولایات را بالتمام احاطه کرده اهالی چون درندگان و وحشیان حمله نموده سیلهای خون در خیابانها و کوچها و معبرها جاری گردیده فلاکت و بد بختی ایران و ایرانیان را فرو گرفته در این صورت آیا توانیم برسد که مسئولیت این کار عظیم و داهیه و خیمه را که در عهده خواهد داشت ؟ و کیست که نام منحوس و شوم خود را در صحایف بد بختانه روزگار بیادگار بگذارد ؟ ! ! ! ! و آیا کدام يك از طرفین صرفه میبرد ؟ باعتماد جمهور هر کس که غرض شخصی او در این میان کمتر و در حفظ حقوق خود و عدم تجاوز بحقوق دیگران ثابت قدم تر است اینست مطالباتی که از پیش آمدکار با وضع حالیه امروز تصور توانیم کرد سخن را بهمین کلامه ختم نمایم (الحق یملو ولا یعلا علیه)

(امضا محفوظ)

(اخطار)

در شماره ۲۵ صفحه دویم يك قسمتی از اخبار داخله را حروف چین مطبوعه اشتیاباً در جزء مذاکرات مجلس گذارده وقتی ملتفت شدیم که قدری از آن طبع شده بود باقی را اصلاح کردیم باید بدانند که مذاکرات مجلس منتهی میشود باین عبارت (برسبیل اطلاع سفراء مسبوق باشند)

حسن الحسینی الکاشانی